11364

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

[illegible] نوشتیم و فرق [illegible] مرکب [illegible] کرده‌ایم [illegible]
[illegible] این [illegible] ضرب [illegible]
[illegible] نوشتیم [illegible] ضرب کردیم [illegible] این [illegible]
نوشتیم [illegible] هشت [illegible] جمیع اوزان [illegible] هشت [illegible]
[illegible] ضرب [illegible] جمیع اوزان [illegible] قسمت کردیم خارج قسمت [illegible]
[illegible] مرکب [illegible]

	حاره	۳	۱۸/۹
حاصل [illegible]	۴	۹	۸
درجات	۲	۳	۴
اسماء	فلان	فلان	فلان
اوزان	۲	۲	۲

و اگر [illegible] هشت [illegible] خارج قسمت [illegible]
[illegible] مثال مرکبی که ادویه او [illegible]
الاوزان باشند [illegible] از معتدل [illegible] مرکب بارد است [illegible]
ادویه او مختلف [illegible] باشند [illegible] از معتدل و این مرکب حار است [illegible]
[illegible] مرکبی که ادویه او مختلف الاوزان باشند و حاره [illegible] بارده [illegible] از معتدل و این مرکب حار است
[illegible]

[illegible]

[illegible]

و کر [illegible] معتدل که ادویه او مختلف [illegible] اوزان باشند چون [illegible] صفات مزدوج باره پس این مرکب معتدل شد و [illegible]
[illegible] شد و اجمال مرکب معتدل [illegible]

چهار	۸		باره ۱۹۵	
[illegible]	۱۲	۹	۱۰	۹
درجات	۳	۱	۲	۴
اسامی	فلان	فلان	فلان	فلان
اوزان	۴	۹	۵	۲

[illegible] شد [illegible] مرکب [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد رافع الدرجات خالق الارکان و جاعل [illegible] الکیفیات والثنا لرسوله محمد المصطفی [illegible] اخلاق طبیب ارواح
[illegible] و [illegible] کلماته کلها انفع الشربات علیه افضل الصلوة [illegible] وعلی آله و اصحابه خصوصا خلفاء راشدین
[illegible] و [illegible] بعد الانبیاء علیهم السلام و الصلوات و [illegible] فقیر [illegible] که این رساله ایست در
[illegible] درجات و طریق ترکیب [illegible] مطلوب [illegible]
[illegible] ترکیب شربت [illegible] از [illegible]
[illegible] و کیفیت [illegible] مسمی شد [illegible]
[illegible] استخراج درجه مرکب [illegible] مرکب [illegible]
[illegible] درجه و باره [illegible] را جمع کنند [illegible]
[illegible] درجه مرکب [illegible] مقدار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مرکب [illegible]
[illegible]
[illegible] معتدل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نسبت [illegible] معلوم شد که مرکب چهارست در نصف درجه اول [illegible]

[illegible] نصف [illegible] نصف باشد و در صورت [illegible] نصف [illegible]

[illegible] قسمت و نسبت [illegible] و نسبت [illegible] بلفظ نسبت [illegible] حساب [illegible]

مصنف [illegible] نسبت [illegible] و مرکب [illegible] باشد [illegible]

[illegible] مساوی اصغر بگیرند [illegible]

[illegible] و اما [illegible] در درجه دوم [illegible]

[illegible] از اعظم [illegible] مساوی [illegible]

و درجات [illegible] حفظ کردیم پنج [illegible] را بر [illegible] عدد اوریه [illegible] قسمت کردیم خارج قسمت [illegible] نصف [illegible]

و چون این مرکب [illegible] باشد و چون باقی را نگاه کردیم چهار بود و این مرکب هم چهارست پس مساوی یکدیگر اند [illegible]

[illegible] حفظ کردیم پنج درجه و نصف بود و چون باقی [illegible] درجه است و مرکب [illegible] دو و نیم درجه [illegible]

[illegible] عدد اوریه [illegible] قسمت کردیم [illegible] که اول پنج را [illegible] کردیم [illegible] نصف [illegible] ضرب کردیم

[illegible] نصف [illegible] ضرب کردیم [illegible] چهار شد [illegible]

[illegible] چهار خارج قسمت [illegible] این مرکب دوم [illegible] درجه [illegible] باشد [illegible]

و اگر کسی [illegible] حساب [illegible] قسمت کند [illegible] که اول [illegible] قسمت کند [illegible]

[illegible] نصف [illegible] قسمت کند [illegible] جمع کند [illegible] دو و نیم [illegible]

[illegible] مساوی [illegible] سوم [illegible] مساوی مرکب دوم [illegible]

[illegible] جمع کنند [illegible] و اما [illegible] در درجه اول [illegible]

[illegible] سوم [illegible] اعظم [illegible] مساوی اصغر [illegible] شش شد [illegible]

[illegible] حفظ کردیم چهار بود چهار را بر عدد اوریه که [illegible] قسمت کردیم [illegible] معلوم شد که این مرکب

[illegible] باقی را نگاه کردیم [illegible] و چون [illegible] کمتر از مرکب است [illegible] مساوی [illegible]

[illegible] حفظ کردیم پنج بود پنج را بر عدد اوریه که [illegible] قسمت کردیم خارج قسمت [illegible]

معلوم شد که آن مرکب دوم چهارست [illegible] درجه و چون باقی را نگاه کردیم چهار بود و این مرکب هم

چهارست پس مساوی یکدیگر اند [illegible] و درجات [illegible] حفظ کردیم چهار و نیم [illegible]

قسمت کردیم باین وجه که اول چهار را [illegible] کردیم [illegible] ضرب کردیم [illegible]

نصف [illegible] عدد اوریه است هم [illegible] ضرب کردیم [illegible] قسمت کردیم [illegible]

خارج [illegible] معلوم گشت که این مرکب سوم چهارست [illegible] درجه [illegible]

[illegible] مساوی [illegible] باشند [illegible] اول [illegible] بیشتر [illegible] مرکب [illegible]

مساوی [illegible] بگیرند و اگر [illegible] بیشتر از مرکب [illegible] سوم مساوی مرکب [illegible]

[illegible]

و هر چند درجه مرکب بطریقی که گذشته معلوم کنند و تعیین شد که باقی مساوی و کمتر باشد اگر در صورت تساوی برود باهم باید و هر چه بقدر کمتر باند از مرکب جهار باقی باید گرفت مثل و معنی است که در فضل کردیم است

و دوازده مثقال که وزن او پانزده و درجه سوم است نوبت اول که مساوی اقل از اکثر گرفتیم مرکب دو درجه شد و باقی

چهار درجه باقی ماند دیگر مساوی دو درجه چهارده گرفتیم چهار شد و باقی دوازده ماند نوبت سوم مساوی چهار از دوازده

گرفتیم هشت شد و باقی هشت ماند مساوی مرکب باهم گرفتیم و اگر دیگر شانزده درجه بود نوبت چهارم که مساوی

هشت از هشت بگیریم باقی هیچ نماند کمترا از مرکب هیچ ولی این یک از مرکب باید گرفت حاصل اگر در صورت عدم

تساوی هر یا مساوی اقل از اکثر باید گرفت و عمل باید کرد و اگر ادویه زیاده از دو باشد مساوی اقل

از همه باید گرفت و از همه مرکب از انواع تمام باید نهاد و درجه آن معلوم باید کرد باز در تمام ادویه و این مرکب

هر چه تمام که اقل بود مساوی وی از همه باید گرفت و از هر مرکب دوم نام باید نهاد و درجه معلوم باید کرد باز در

تمام ادویه و این هر دو مرکب اقل را باید جست و عمل مذکور باید کرد تا مرکب سیوم بوجود آید و درجه آن معلوم باید

همچنین عمل می‌کرده باشند خواه ادویه دو باشند یا زیاده تا از جمیع ادویه مختلفه مطلقا در ترکیب مقدار واحد

در کیفیت گردند و بقدر عمل زیاده خواهد شد و ترکیب از دوا زیاده نیست طریق صاحب سوخر و در

و نیز هر مرکب را که تمام آنچه نوشته شد عبارت مختصر است که تعیین عبارت موجز است و باقی بجهت شرح و بسط

این فقیر آمده که جمیع طریق صاحب در نوشته و تحقیق مقادیر ادویه بی‌آنکه جمع کردن با اقل از اکثر است

و این مرکب بجای باقی مرکب تواند باشد تقریبی خواهد بود تحقیقی و هر جا که مساوات وجود خواهد گرفت از درجه این مرکب

تحقیق خواهد و تحقیق تقریبی طریق عمل طبیب نیز میباید مثلا اطبا اتفاق کرده‌اند در کتاب قوابادین ادویه چه جمیع

ترکیب هر چند بخواهند چنانکه در شرح کرده است قسمی این است سعید است اما مخفی نماند که تخریج درجه بطریق جبر و مقابله

هم از آن تقریب شد یعنی که فرصت اندک باشد در تخریج درجه با بطریق تواند کرد عمل اصلی قاعده که بطریق عمل

همین تحریر و جلیل تخریج درجه با بطریق مذکور و ادویه کثیر کسی را که علم حساب مهارت تمام نداشته باشد تخریج خواهد

جدولی وضع کردیم تا دستور العمل باشند تیمن برکت علم حساب از صد شناسا خود بهره مند شوند

ادویه	درجات ادویه و وزن آن				مرکب اول		مرکب دوم		مرکب سوم		مرکب چهارم		مرکب پنجم		مرکب ششم		مرکب هفتم	
	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	درجه	[illegible]	درجه	[illegible]	درجه	[illegible]	درجه	[illegible]	درجه	[illegible]	درجه	[illegible]	درجه	[illegible]
درجات	۳	۴	۳	۱	وزن	۸	وزن	۱۶	وزن	۴	وزن	۸	وزن	۴	وزن	۴	وزن	[illegible]
اول	۲	[illegible]	۹	۹	[illegible]	۳												
					۲	۳	۱۵											
ثالث	۵	۵	۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱۳		۲									
ثانی	[illegible]	۱	۵	[illegible]	[illegible]	۵	۱۲		[illegible]		۵							
ثانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱۱		۵		۹		۳					
ثانی					[illegible]		۵						۵					

اکنون شرح ضرب این عدد مرکب [illegible] تا اهل [illegible] جدول [illegible] تخریج [illegible]

[illegible] مفردات [illegible] دوائی باول که در دوم [illegible]

[illegible] بگرفتیم و [illegible] باقی نوشتیم [illegible]

[illegible] باقی نوشتیم [illegible] کردیم [illegible]

مرتب اول [illegible] در سطر او زان مرکبات نوشتیم و در جانب مفردات [illegible]

[illegible] قسمت کردیم [illegible] جانب مرکبات [illegible]

ثبت کردیم بدین صورت [illegible]

چهار [illegible] نوشتیم [illegible] گرفتیم [illegible]

نوشتیم [illegible] گرفتیم [illegible] نوشتیم [illegible] مرکب اول [illegible]

ثبت کردیم [illegible] مرتب دوم [illegible] در سطر اوزان مرکبات نوشتیم [illegible]

مفردات [illegible] قسمت کردیم [illegible]

[illegible] ضرب کردیم [illegible]

[illegible] قسمت کردیم [illegible] مرکبات [illegible]

بدین صورت [illegible]

[illegible]

٩	١٢	٢٨	٤	[illegible]
١	٢	٣٣	١٣	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
٩	٩	٤	١	

[illegible] مرکب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مرکبات ثبت کردیم [illegible] مفردات [illegible]

[illegible] اول قسمت کردیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

... [illegible] ... نسبت [illegible] ... گردیم
[illegible] ... پس [illegible] ... مرکب [illegible]
[illegible] ... نصف است [illegible]
چون [illegible] ... نسبت [illegible] ... آن [illegible] ... گرفتیم [illegible]
[illegible] ... نصف [illegible]
[illegible] ... مرکب [illegible] ... حاصل شده است و درجه تحقیقی
[illegible] ... تحقیقی [illegible] ... خواهد شد [illegible]
[illegible] ... صورت [illegible] ... مخرج [illegible]
(4)
[illegible] ... صورت [illegible] ... است و چهار جزو [illegible]
که در درجه [illegible] ... هزار [illegible] ... است
[illegible] ... چهار [illegible] ... صورت
[illegible] ... مرکب [illegible]
[illegible] ... چهار [illegible] ... است [illegible] ... پس [illegible]
[illegible] ... تحقیقی [illegible] ... درجه [illegible] ... اجزا [illegible]
[illegible] ... چهارم [illegible] ... شود [illegible] ... درجه تحقیقی [illegible]
[illegible] ... شرح اعمال [illegible] ... مرکب [illegible]
[illegible] ... است [illegible]
[illegible] ... اعمال [illegible]
[illegible] ... طریق [illegible] ... اعمال [illegible]
و در شرح [illegible] ... طریق دیگر از بعضی [illegible] ... است [illegible]
[illegible] ... طریق دیگر [illegible] ... بعضی [illegible] ... نسبت [illegible]
[illegible] ... مرکب [illegible] ... یک درم [illegible]
[illegible] ... مرکب [illegible] ... شود [illegible] ... مرکب [illegible]
[illegible] ... اول [illegible] ... شرح [illegible]
پس مرکب [illegible] ... درم [illegible] ... مرکب [illegible]
[illegible] ... تحقیقی است [illegible] ... مرکب [illegible]
[illegible] ... درم است و
[illegible] ... درجه سوم [illegible] ... آن [illegible]
[illegible] ... نسبت [illegible] ... قسمت کردیم [illegible] ... قسمت [illegible]
پس [illegible] ... مرکب [illegible] ... درجه سوم [illegible]
[illegible] ... درجه سوم [illegible] ... شرح [illegible]
[illegible] ... درجه [illegible] ... پس [illegible]

از مفردات ادویه [illegible] یا بعضی دیگر و بعضی در [illegible]
درجه اول [illegible] درجات [illegible]
یعنی مجموع درجات [illegible] قسمت [illegible]
درجات [illegible] مجموع درجات [illegible] و مجموع قسمت [illegible]
[illegible] شود [illegible] اخراج [illegible]
[illegible] مرکب [illegible] اوزان [illegible]
[illegible] اوزان باشند [illegible] در زمان [illegible]
و درجه [illegible] مرکب [illegible] باشند [illegible]
[illegible] حساب [illegible] مرتب و قسمت [illegible]
قسمت [illegible] قسمت [illegible] درجه مرکب [illegible]
[illegible] اوزان [illegible] هر دو را
[illegible] ضرب کنند [illegible]
و حاصل ضرب وزن هر دوا از [illegible] هر قسم [illegible] جمع کنند جمیع حاصلات مضروب [illegible]
تمام اوزان را نیز و مجموع حاصلات مضروب [illegible] بر مجموع اوزان قسمت نمایند اگر مساوی یا اکثر بود [illegible]
نسبت کنند و اگر مفردات مرکب [illegible] باشند [illegible] درجه [illegible]
[illegible] و مجموع اوزان [illegible] بعضی [illegible] حار باشند و بعضی بارد و حاره را
جدا نوشته و بارده [illegible] جدا [illegible] حاره و بارده [illegible] حاصل کنند و حاصل
مضروب حاره را جدا جمع کنند و بارده را جدا و اقل از اکثر نقصان کنند [illegible]
اوزان حاره و بارده قسمت کنند [illegible] نسبت نمایند خارج قسمت یا حاصل نسبت درجه مرکب بود [illegible]
درجه حرارت یا برودت معلوم شد [illegible] روش درجه رطوبت یا یبوست دریابند تا دانسته شود که مرکب
حار رطب است یا حار یابس یا بارد رطب است یا بارد یابس و اگر حاصلات مضروب حاره و بارده [illegible]
مساوی یکدیگر باشند و همچنین حاصلات مضروب رطب و یابس آن مرکب معتدل بود در حرارت و برودت
یا در رطوبت و یبوست [illegible] مثال [illegible] مرکب که ادویه او متساوی الاوزان باشند یا مختلف الاوزان
و حاره [illegible] یا حاره مع بارده [illegible] معتدل یا خالی از معتدل [illegible] عمل [illegible]
مرکبی که ادویه او متساوی الاوزان باشند و [illegible] و خالی از معتدل مرکبی است که [illegible]
در درجه اول [illegible] و دیگری در درجه سیوم و دیگری [illegible] درجه چهارم و وزن [illegible] نوشتیم
[illegible] نوشتیم و تحت هر یک وزن او ثبت کردیم [illegible]
[illegible] نوشتیم و فوق هر یک رقم درجه اش مرقوم ساختیم و [illegible] لفظ درجات نوشتیم [illegible]

و هر دو عدد ... این ... حاصل ... ضرب کردیم [illegible]
شش را ... ضرب کردیم ... [illegible]
... مضروب نوشتیم ... [illegible]
... [illegible] ... مضروب ... [illegible]
... کردیم ... [illegible] ... و جدول دستور العمل این است

	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۴	۹	۸
درجات	۲	۳	۴
اسامی	فلان	فلان	فلان
اوزان	۲	۲	۲

و اگر با اینها ... معتدل باشد جمع اوزان ... پس قسمت کنیم ... [illegible]
... [illegible] ... مرکب ... [illegible]
... [illegible] ... هر کیفی که ...
... اوزان ... باشند ... حاره ... بارده و ...
... مرکبی است که ... دوای ... [illegible]
... درجه سیوم ... [illegible]

... درجه ... [illegible] ... بارده ...
... ضرب کردیم ... [illegible] ... ضرب کردیم
... [illegible]
... ضرب کردیم ... [illegible]
... [illegible] ... بارده ...
... جمع اوزان ... دوازده ... [illegible]
حاصل ... نصف شد پس معلوم گشت که این مرکب بارد است ... نصف درجه و جدول دستور العمل ...

و اگر با اینها معتدل باشد جمع اوزان پانزده شود پس شش را با پانزده نسبت کنیم حاصل نسبت ... و ... پس ... شود ... مرکب بارد است ... مرکبی که ادویه ... الاوزان باشند و حاره ...

حاره	[illegible]	[illegible]		۱۲ بارده	۱۲ / ۶
حاصل ضرب	۹	۹		۱۴۱	۹
درجات	[illegible]	۳		۳	۳
اسامی	فلان	فلان		فلان	فلان
اوزان	۳	۳		۳	۳

خالی از ... است که ... دوای ... اوزان ... درجه ... دوم حار است و دیگری ...
... درجه سیوم ... [illegible] ... نوشتیم ... [illegible]
... [illegible] ... ضرب کردیم ... [illegible]
و جمع کردیم شش ... [illegible] ... جمع کردیم اوزان ...

و چهار بیست مونده و بیشتر حصه بیست و پنج است چون جمع حاصلات مضروبات شد بیست و پنج را
بر عدد اوزان قسمت کردیم خارج قسمت دو درجه و یک نصف و خمس شد پس معلوم گردید که مرکب
حار است در درجه دوم و نصف و خمس و جدول مشهور العمل اینست

۲۵		حاره	
۴	۱۵	۶	مضروبات
۱	۳	۲	درجات
فلان	فلان	فلان	اسامی
۴	۵	۳	اوزان

و اگر اینها معتدل باشد وزن آن درم جمع
اوزان پانزده شود پس قسمت کنیم بیست و پنج را
بر پانزده خارج قسمت یک درجه و دو ثلث آید
پس معلوم شد که مرکب حار است [illegible]
در درجه [illegible] اگر مرکبی که ادویه او مختلف الاوزان است
و بعضی بارده و بعضی از معتدل مرکب است که
یک [illegible] او چهار درم است و حار در درجه سیوم و دیگری شش درم است و حار در درجه چهارم و دیگری
دوای او هفت درم است و بارد در درجه سیوم و دیگری سه درم است و بارد در درجه دوم نوشتیم
حاره را جدا با اوزان او درجات و بارده را جدا بطریق مذکور پس ضرب کردیم اول چهار را در سه که
حار است دوازده شد و ضرب کردیم شش را [illegible] که هم حار است بیست و چهار شد و ضرب کردیم هفت را در سه
که بارد است بیست و یک شد و ضرب کردیم سه را در دو که بارد است شش شد و جمع کردیم حاصلات مضروبات
حاره که دوازده و بیست و چهار است سی و شش شد و جمع حاصلات مضروب بارده که بیست و یک و شش
بیست و هفت است چون بیست و هفت اقل است از اکثر که سی و شش است نقصان کردیم باقی ماند ازو نه
پس جمع اوزان که چهار و شش و هفت و سه است بیست باشد چون نه از بیست کم است با بیست نسبت دادیم حاصل
نسبت دو خمس و یک ربع خمس شد پس معلوم شد که مرکب حار است در دو خمس درجه و ربع خمس و جدول مشهور
العمل اینست

۲۷ بارده		۹	حاره	۳۶
۶	۲۱	۲۴	۱۲	مضروبات
۲	۳	۴	۳	درجات
فلان	فلان	فلان	فلان	اسامی
۳	۷	۶	۴	اوزان

و اگر با اینها معتدل باشد وزن آن چهار درم جمع اوزان بیست و چهار شود پس نسبت کنیم نه را با بیست و چهار حاصل نسبت یک ثمن و یک ثلث ثمن [illegible] پس معلوم گردد که مرکب حار است [illegible] مثال که مرکب معتدل [illegible] مرکب از ادویه متساوی الاوزان

و دیگر مرکبات ادویه [illegible] آریم تا استنباط شود جمیع مرکبات کرده شود هر چند که نسبت تساوی
اوزان مقتضی آن بود که اول معتدل که ادویه اش متساوی الاوزان باشند ذکر کرده شود [illegible]
که ادویه آنها متساوی الاوزان [illegible] مناسبت [illegible] که نزدیکتر است از مناسبت تساوی اوزان
باشد

با بعضها آن شود که هر دو متباین باشند ... مثال ترکیب ... که عدد ... متباین باشند ... ترکیب است

که ترکیب ... است ... دوم ... یکی ... است ... و دیگری ... [illegible]

... [illegible] ... به طریقی که ذکر شد ... [illegible]

که ... شش شد ... [illegible] ... ضرب ... [illegible]

ضرب ... [illegible] ... جمع کردیم ... مضروب ... [illegible]

... مضروب ... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... مثال ترکیب ... [illegible]

مخرج	چهارده		یازده	۱۵
...	۱	۱	۳	۱۲
...	۲	۳	[illegible]	۳
اسامی	ثلثان	ثلثان	ثلثان	ثلثان
...	۲	[illegible]	۳	۳

... که ... و چهار ... [illegible] ... در مرتبه اول

یک ... و دیگری ... [illegible] ... صد و دوم و

دیگری ... [illegible] ... و ...

... [illegible] ... به طریقی ... [illegible]

... [illegible] ... ضرب کردیم

... [illegible] ... ضرب کردیم ... [illegible]

... [illegible] ... و ... ضرب کردیم ... [illegible]

مضروب ... [illegible] ... مثال ... [illegible]

مخرج	چهارده		۱۸	دوازده	۱۴
...	۱۲	۹		۱۰	[illegible]
...	۳	۱		۲	۳
اسامی	...	...	ثلاث	ثلاث	ثلثان
...	۳	۲		۵	۲

... [illegible] ... طریق ... [illegible] ... در مرتبه

... [illegible] ... طریق ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... طریق ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

و ... براه این ... و ... در ... ترکیب ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

... ترکیب ... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

و ... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

اجزای چهار و سه را بسه چهار [illegible] یک نسبت از چهار و [illegible] با چهار [illegible]
اقل [illegible] از اکثر که چهار و دو با نسبت که شود [illegible] از چهار و [illegible] باقی ماند
و چون [illegible] را [illegible] که [illegible] چهار نسبت [illegible] یک و ربع [illegible]
[illegible] و ربع [illegible] بود [illegible] انتهی کلامه و [illegible]
مرکبات پوشیده نیست که [illegible] مرکب [illegible] یک و ربع [illegible] و [illegible] مرکب مذکور
[illegible] بعضی [illegible] از شرح [illegible] نقل کرده شد [illegible]
یک [illegible] شود و [illegible] که [illegible] که این [illegible] دهند [illegible]
[illegible] تصدیق [illegible] زبان [illegible] و بعد از اظهار نادرستی این طریق [illegible]
[illegible] پس میگوییم که چون [illegible] و شربت [illegible] و شربت او دو درم پس [illegible] چهار درم
[illegible] یک شربت است و [illegible] نیم درم پس [illegible] باشد [illegible] که [illegible] و شربت او دو درم
[illegible] پس [illegible] مرکب دو درم [illegible] درم با چهار درم و این شربات که نوشته شد در
اختیارات [illegible] پس [illegible] ادویه را با اوزان [illegible] گفته شد پس ضرب کردیم [illegible]
[illegible] چهار [illegible] و ضرب کردیم [illegible] که [illegible]
[illegible] ضرب کردیم [illegible] اکثر [illegible]
که [illegible] نوشتیم [illegible] ضرب کردیم [illegible] اختیار [illegible] چهار شد [illegible]
[illegible] ضرب چهار [illegible] و سه نصف [illegible] و نصف شد حاصل ضرب [illegible] و چهار [illegible]
و بعد نقصان اقل از اکثر [illegible] و نصف از چهار باقی ماند [illegible] و نصف [illegible] اوزان [illegible]
و نصف [illegible] سیزده و نصف [illegible] پس قسمت کردیم یازده [illegible] سیزده و نصف [illegible]
مخرج مشترک گرفتیم [illegible] یازده را که مقسوم است در دو ضرب کردیم [illegible] شد [illegible]
قسمت کردیم همان یازده شد [illegible] مقسوم علیه که سیزده است [illegible] سیزده شد و چون مقسوم [illegible]
مقسوم علیه یازده را بسیزده نسبت دادیم پس معلوم شد که مرکب [illegible] در [illegible] اول [illegible]

[illegible]	ا	علاوه	[illegible] ۳
۴	[illegible]	[illegible]	۲
۲	[illegible]	۲	۳
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]

و اگر شربت [illegible] درم اعتبار کنیم حاصل ضرب [illegible]
که [illegible] شود و چون [illegible] و نصف نقصان [illegible]
[illegible] و نصف باقی ماند [illegible] هفت و نصف [illegible]
[illegible] و نصف [illegible] شد [illegible] یازده و نصف [illegible]
[illegible] هفت و نصف مخرج [illegible] هفت [illegible]
[illegible] ده [illegible] را با [illegible] ده [illegible]

[illegible]

یک بنفشه و دو خمس شود پس معلوم گردد که مرکب حار و بارد [illegible] و دو خمس [illegible] و این مکرر است از آن درجه که [illegible]

بنفشه و دو درم بوده است و اگر بنفشه ربع چهار درم [illegible] چهار [illegible] شود چون هشت [illegible] و نصف [illegible]

[illegible] بنفشه [illegible] گرمی [illegible] و نصف هشت [illegible] را با بنفشه [illegible]

حاصل نسبت [illegible] کسری [illegible] اگر [illegible] جزء از بنفشه است [illegible] کسری [illegible]

[illegible] باشد که کمتر است از [illegible] مساوی [illegible] درجه [illegible]

تفاوت [illegible] درجات [illegible] این ادویه مساوی [illegible] حاره [illegible] بوده [illegible]

[illegible] درجه اول بود [illegible] درجه و دو خمس [illegible] در درجه [illegible] مرکب [illegible] بنفشه [illegible] درم

[illegible] چهار درم [illegible] که ادویه مرکب متساوی الاوزان [illegible] مختلف الاوزان [illegible] صورت [illegible]

[illegible] است چنانکه [illegible] درجه [illegible] محمد [illegible] علت [illegible]

[illegible] مجهول [illegible] باشد [illegible] الاوزان [illegible] متساوی [illegible]

[illegible] استخراج کنیم [illegible] متساوی [illegible] نسبت [illegible] بنفشه [illegible] دو درم [illegible]

کنیم [illegible] پس زنجبیل که چهار درم [illegible] هشت [illegible] بنفشه [illegible] دو درم است چهار باشد [illegible] هشت [illegible]

[illegible] حاره زنجبیل [illegible] کندر [illegible] و اجزاء بارده بنفشه هشت چون هشت [illegible]

از نوزده [illegible] کنیم یازده باقی [illegible] نسبت [illegible] حاصل نسبت یازده جزء [illegible]

پس مرکب حار بود در آخر درجه اول [illegible] از طریق [illegible] بر تقدیر [illegible] درم [illegible]

بود و اگر بنفشه [illegible] بنفشه [illegible] ادویه [illegible] گردد [illegible] بنفشه [illegible]

چون از نوزده که [illegible] نقصان کنیم هفت باقی [illegible] نسبت [illegible]

نسبت [illegible] خمس [illegible] شود پس معلوم شود که مرکب حار است [illegible] درجه [illegible] خمس [illegible]

[illegible] درجه [illegible] از طریق [illegible] بر تقدیر [illegible] سه درم حاصل شده بود و اگر بنفشه [illegible] بود [illegible]

و مجموع [illegible] شانزده [illegible] چون [illegible] از نوزده [illegible] نسبت [illegible]

[illegible] حاصل نسبت [illegible] سدس [illegible] کسری [illegible] پس مرکب [illegible]

[illegible] که بر تقدیر [illegible] چهار درم [illegible]

[illegible] درجه [illegible] حرارت بر آید [illegible] مساوات [illegible]

[illegible] درجات [illegible] درجات [illegible] [illegible]

[illegible] استخراج کرده است [illegible] درجه [illegible] معلوم کردی اکنون [illegible]

[illegible] درجه [illegible] طریق [illegible] بیان کنیم [illegible] است که [illegible] استخراج [illegible]

[illegible] کرده است [illegible] ادویه [illegible]

[illegible] ادویه [illegible] از این طریق [illegible] است [illegible]

۱۳		۱۱ از چهار
چهار ۱۹		بارد
۱۶	۳	۸
۲	۳	۴
زنجبیل	کندر	بنفشه
درم ۸	نیم درم ۱	دو درم ۴

[illegible] در درجه اینها [illegible] ترکیب [illegible] کرده است [illegible] بعضی حذاق [illegible] استوائی [illegible] شربت [illegible]
[illegible] و بعضی گمان کرده اند مرکبی که ادویه او متفق الکیفیت باشد در صورتی که از مفردات مرکب شربت
[illegible] باشد و اوزان شربات [illegible] با یکدیگر بود درجه آن مرکب [illegible] و درست [illegible]
[illegible] از تحقیق مرکبات [illegible] ادویه [illegible] متساوی الاوزان فرض کرده شد پس [illegible]
[illegible] در چند مرکب [illegible] صاحب [illegible] استخراج کرده ایم [illegible]
مستخرج شود [illegible] درجه [illegible] مفردات [illegible] و دیگری از آن اوزان را دو شربت [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] یکی [illegible] شربات مختلف بود [illegible] صورت [illegible]
[illegible] در مرکب [illegible] چنانکه در ابطال [illegible] محمد رضا استخراج کرده است [illegible] تفصیل [illegible] خواهد
[illegible] بیان [illegible] محمد رضا است بیان [illegible] شود [illegible]
[illegible] که [illegible] مرکبات [illegible] که اگر متفق الکیفیه باشند جمیع اجزای [illegible] را [illegible] جمیع اجزا
[illegible] یک شربت [illegible] شربت و [illegible] شربت [illegible] تقسیم کنیم اگر [illegible] مساوات [illegible] حاصل کنیم
[illegible] متفق المقدار و مختلف المقدار [illegible] مختلف الکیفیة باشند [illegible]
[illegible] متفق التقسیم [illegible] اجزای مرکب یا متفقة الکیفیة اند یا
مختلفة الکیفیة [illegible] متفق باشند [illegible] مختلفة الکیفیة [illegible]
[illegible] معتدل
[illegible] در مرکب چند شربت [illegible]
[illegible] کیفیات [illegible] تمام [illegible]
[illegible] مرکب است [illegible] درجه گرم [illegible] درجه [illegible] درجه گرم [illegible]
[illegible] درجه گرم [illegible] قسمت کردیم [illegible]
نصف درجه رسید [illegible] دو درجه دیگر [illegible] قسمت [illegible] نسبت [illegible]
[illegible] نسبت خمس [illegible] مرکب [illegible] نصف درجه و خمس درجه [illegible] بیان
[illegible] ضبط کنیم [illegible] مفردات آن مرکب من حیث [illegible]
آن مرکب را [illegible] کنیم که کیفیات مضبوطه را بعد [illegible] شربات مفردات [illegible] مرکب [illegible]
[illegible] مساوی [illegible] تقسیم [illegible] مساوات تقسیم [illegible] است از تقسیم [illegible]
[illegible] بالسویه قسمت [illegible] قسمت [illegible]
تقسیم [illegible] مساوات [illegible] مثال [illegible] درجه [illegible]
[illegible] در یک درجه [illegible] درجه [illegible]

[illegible]

[illegible] تقسیم [illegible] نسبت [illegible]

[illegible] پس [illegible] که [illegible] یک [illegible]

[illegible] نصف [illegible] از [illegible] مرکب [illegible] و [illegible]

[illegible] نصف [illegible] که [illegible] است شود [illegible]

[illegible] نصف [illegible] اگر [illegible] نصف [illegible]

[illegible] این نصف که [illegible]

[illegible] مرکب [illegible] این [illegible]

[illegible] نسبت [illegible] مرکب [illegible] یک [illegible]

[illegible] نصف [illegible] پس [illegible] نسبت [illegible] این [illegible]

قسمت [illegible] نصف [illegible]

[illegible] و نصف [illegible] نسبت [illegible]

[illegible] نسبت [illegible]

و نصف [illegible] پس [illegible] این مرکب [illegible] و در [illegible]

[illegible] اگر اوزان [illegible] متساوی است [illegible]

[illegible] که [illegible] اگر [illegible]

[illegible] پس اگر اوزان [illegible] متساوی است [illegible]

[illegible] مرکب [illegible] پس [illegible]

[illegible] شود [illegible] شرط [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible] شرط [illegible] شود [illegible]

[illegible] اوزان [illegible] باعتبار کردن [illegible]

[illegible] مساوات [illegible] پس [illegible] اگر [illegible]

[illegible] پس [illegible] و اگر [illegible]

[illegible] پس [illegible]

[illegible] است از درجه اعتبار [illegible] است [illegible]

[illegible] کرده است [illegible] آن مرکب [illegible]

[illegible] مرکب [illegible] نصف [illegible]

هم معروف خود [illegible] بعضی حقایق [illegible] مذکور [illegible] شود پس [illegible] کردیم [illegible]
[illegible] که [illegible] جهار [illegible] یک [illegible] و [illegible] هفت [illegible]
[illegible] درجه [illegible] بیست و جهار [illegible] حسب [illegible] مجموعه [illegible]
[illegible] درست [illegible] که هر یک [illegible] بیست [illegible] اول [illegible]
[illegible] جهار [illegible] هشت شد [illegible] حاصل شد [illegible] دو و جهار [illegible]
شش [illegible] ضرب [illegible] حاصل [illegible] حاره بیست و هفت [illegible]
از [illegible] جون [illegible] بیست [illegible] مجموع [illegible]
[illegible] بیست و یک است [illegible] بیست و جهار [illegible] یک [illegible] است پس [illegible]
[illegible] بصورت

	حارّه ۲۵								بارده ۳		
[illegible]	۸	۶	۴	۹	۱	۱	۱		۱	۱	۱
درجات	۳	۲	۲	۹	۱	۱	۱		۱	۱	۱
اسامی	فلفل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
اوزان	۴	۳	۲	۹	۱	۱	۱		۲	۱	۱

و این عزیز [illegible] درجه [illegible] حاصل [illegible] خیال کرده است و اگر وزن هر یک از [illegible] درم [illegible] مرکب معتدل گردد
و اگر زیاده [illegible] درم فرض کنند [illegible] درم [illegible] بیست و هفت [illegible] حاره [illegible]
[illegible] بیشتر [illegible] حاره کمتر پس [illegible] حاره [illegible] بود [illegible]
که اوزان ادویه با یکدیگر مساوی نیست و شرط [illegible] مساوی [illegible] اقل [illegible]
زیرا که [illegible] بعضی ادویه [illegible] مساوی [illegible]
پس جون اقل ادویه یکی درم است [illegible] جهار درم است [illegible] درم [illegible] شش [illegible]
[illegible] که هر یک یک درم است [illegible] بیست و یک [illegible] نیست [illegible]
زیرا که جهار درم را جون جهار [illegible] اعتبار کردیم [illegible] درم [illegible]
شش شد [illegible] درم که درجه او [illegible] جهار درجه [illegible] درجه [illegible]
[illegible] مجموع بیست و جهار [illegible] باقی [illegible] حاره باقی که هر یک [illegible] درجه [illegible]
[illegible] بارده [illegible] بیست و هفت [illegible] بیست [illegible]
بر [illegible] ادویه که بیست و یک [illegible] قسمت کنیم یک [illegible] موافق [illegible]

تعیین نسبت شد بطلان رسید و دلیل بر آنکه صادق است آن تعالی که ما فرض کنیم که بعضی ادویه مرکبه از چهار شربت باشد که بعضی حاره و بعضی بارده و قد عمل یک درجه چهار شربت و سه شربت بارده و حاره حاصل شد اول را یکی درجه دوم
مرکب درجه و نیم و سه شربت درجه اول سه شربت بود در باب آنکه یک درکیب ایشان با اعتبار اعداد و شربات هفت عدد
حاره است و درجات آنها درجه و دو بار درجه باشد و درجات آنها سه است که اعداد بارده از دو بیست باشند و کیفیت
پس درجه حار بیشتر است و قیمت مرکبات و درجه حاصل شود و چون از این چنین باشد و خود ستم که درجه این مرکب
بیرون باید آن مرکب که باشد و درجه که در اشکال باشد تعیین آن درجه بطریق مذکور آن چیزی است ادویه بارده را و حاره را بیست است
مجموع ضرب کردیم او را چهار را در یک چهار شد و ضرب کردیم شش را چهار دوازده شد که جمع آن ثمانیه است و این حاره
آمده پس که از شش که یک شش شد و چهار بر یک چهار شد که جمع آن ده شد و این بارده است چون دو را از شانزده
اسقاط کنیم شش از حاره باقی ماند که نسبت او نسبت شش را به بیست که ده یک عشر حاصل آید پس معلوم شد که مرکب
حاره است در درجه عشر درجه به نسبت

ذهنت باطل است ادعای اهل در صفت هم عدم تساوی تعدد و درجات بحسب اتفاق تعدد شربات و درجات اما بطریق بعضی حذاق پس اقل درجه اگرچه نظام حرارت این صفت است و چون که مساوی چهار پس چهار درجه باشد پس هر یک اقل و شش اول چهار درجه شش به حاره جمع ادویه

۱۵ بارده	۱۰		۱۲۰	حاره	
۲۴	۹		۱۲۰	۴۰	حاصل ضرب
۱	۱		۲۰	۱	درجات
فلان	فلان		فلان	فلان	اسامی
۴	۹		۹		اوزان

و چهار مساوی درجه درجه شد و شش درجه شش درجه و مجموع درجات حاره شش شد و مجموع این درجه و درجات بارده
شش است که سه درجه و چهار درجه دو درجه و مجموع پنج باشد چون پنج را از شش اسقاط کنیم یک باقی ماند نسبت یک را
به اعداد ادویه که ده است نسبت کنیم یک عشر حاصل آید پس از این طریق نیز عشر یک درجه گردد ثابت شد که در جمیع این طریق باطل است
و نیز در باقی که در امثال اول درجه زیاده تر برآمده بود از درجه صحیح و در بعضی امثال ثانی کمتر برآمد و این نباشد مگر بسبب
دخل درجات در آن نسبتی که در این دو روبه شربت اکثر آن شاید چنین باشد که حرارت مرکب نه که به رد در مثال
بار اول دو شربت که در شکل گفته شد پس فرض کنیم که یک دوائی حار چهار درجه است و چهار شربت از پس چیزی بارده او دو
سه درجه یک شربت و چهار درجه حساب که درجه یک از این دو ضرب کنیم بس او به حاره
حرارت باشد و درجات حاره دو و آن یک که بارد است شش درجه است مثلا چهار و یک سه درجه در دیگر درجه
تعیین سه درجه بارد که ده منابع نسبت اضافه باقی ماند که ده درجه است پس نسبت کنیم هفت را به ده
به مجموع حاصل شد هفت عشر سیکو به اکثر آن که دو درجه و دو است عیان کنیم پس ضرب کنیم اعداد ادویه
با اوزان درجات نماییم که یک را در دیگر و ضرب چهار در یک چهار شود و ضرب هر یک از آن
دو در دو باشد که جمع آن ده است و از ضرب سه در سه که نه شود و چهار و سه است سیزده حاصل آید و ضرب

شش ... [illegible] چهار چهار ... [illegible] سیزده ... [illegible]
[illegible] ... اوزان ... [illegible] نسبت ... نصف عشر حاصل آید ... [illegible]
پس معلوم گردد که مرکب ... [illegible] ... نصف عشر ... [illegible] ... درجه ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
... [illegible] این چهار ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... مرکب از ... [illegible]

۲۵	۱۱	۱۲		۱۵	۳			[illegible]
۳	۴	۶		۲	۲	۳	۳	[illegible]
۱	۱	۱		۲	۱	۲	۱	درجه
فلان	فلان	فلان		فلان	فلان	فلان	فلان	اسامی
۳	۴	۶		۱	۱	۱	۲	اوزان

داشت شش شد و چهار ... [illegible] ... چهار و سه ... سیزده ... [illegible]
جمع کردیم عدد او ... [illegible] ... یازده ... سیزده گشت پس ... [illegible]
سه ... [illegible] ... نسبت ... نصف عشر حاصل آمد پس ... [illegible]
که مرکب ... [illegible] ... نصف عشر ... [illegible] ... درجه ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] ... [illegible]
از مرکب ... مثال ... [illegible] ... این سه مثال ... [illegible] مختلف الکیفیه
زیرا که ... مثال نوشته ... [illegible] ... درجات ... [illegible]
... معلوم میشود که ... مثال ... مختلف الکیفیه اند ... مختلف الکیفیه ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible] ... مرکب ... [illegible]
... [illegible] ... درجات بیان کرده ... [illegible]
مرکب دیگرگون میشود ... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... مشهور ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
از ... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
پس ... [illegible] ... مختلف الکیفیه ... [illegible]
پس ... [illegible] ... [illegible]
والنوع ... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] مختلف الکیفیه ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
[illegible]

[illegible] ترکیب شربت [illegible] درجه [illegible] حار [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] اجزای [illegible] درجه [illegible]
[illegible] ترکیب [illegible] درجه [illegible] شربت [illegible]
[illegible] حار [illegible] درجه [illegible] ترکیب [illegible]
[illegible] نصف [illegible] تمام [illegible] نسبت [illegible]
[illegible] نصف [illegible] چهار [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] نصف [illegible] شربت [illegible]
[illegible] اثبات [illegible]
[illegible] چهار [illegible] ثلث [illegible]
[illegible] حاصل [illegible] مرکب [illegible] حار [illegible] ثلث درجه [illegible]

[illegible] طریق [illegible] [illegible] نسبت [illegible] [illegible] شربت [illegible] [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲	۲
[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱	۱
[illegible]	[illegible]	[illegible]	معتدل	معتدل
[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲	۲

[illegible] حاصل شد [illegible] صحت [illegible] اگر وزن [illegible] اقل [illegible]

[illegible] صورت [illegible] نسبت [illegible] درجه [illegible]
۱۵ مرکب [illegible] نسبت [illegible] حار [illegible] درجه [illegible]
[illegible] نسبت [illegible] باشد
[illegible] مرکب [illegible] طریق [illegible] اثبات [illegible]
[illegible] درجات [illegible] دوازده [illegible]
[illegible] ثلث [illegible] حار [illegible]

[illegible] درجه [illegible] ثلث [illegible] شربت [illegible] [illegible] اگر [illegible] معتدل [illegible] [illegible] اعتدال [illegible]

۲	[illegible]	۱۵۸	۱۲	حاره
۲		۱۲		حاصل ضرب
۱		۳		درجات
معتدل		ثلاث		انساب
۲		[illegible]		اعداد

[illegible] دوازده [illegible] حاصل [illegible]
[illegible] دوازده [illegible] حاصل ضرب [illegible] درجه [illegible] دوازده [illegible]
[illegible] مرکب معتدل [illegible] نسبت [illegible] حاصل ضرب [illegible] دوازده [illegible] حار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عدم [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

با عدد واحد و [illegible] نسبت [illegible] حاصل نسبت [illegible] دو ثلث باشد که بطریق [illegible] معلوم شد [illegible]

الاعداد [illegible] عدم تحقق [illegible]

لازم که [illegible] اعداد [illegible] از [illegible]

چهار عدد [illegible]

[illegible]

[illegible]